

مطالعه تطبیقی وضعیت و جایگاه زنان در ایران و مالزی براساس شاخص نابرابری جنسیتی

فیروزه اصغری^{۱*}، عطیه هنردوست^۲

چکیده

برابری جنسیتی، عدالت و توانمندسازی زنان از ارکان اصلی توسعه انسانی و عاملی مهم برای دستیابی به توسعه سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشورهاست. زنان، همانند مردان، به عنوان منابع ارزشمند در توسعه و پیشرفت جامعه خود نقش تعیین کننده ای دارند. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده در هر جامعه ای که سهم زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی بیشتر باشد، آن جامعه از رشد و توسعه بیشتری برخوردار خواهد بود. هدف از نگارش این مقاله، بررسی و تبیین وضعیت و جایگاه زنان در دو کشور ایران و مالزی براساس شاخص های نابرابری و شکاف جنسیتی بر پایه نظام برنامه ریزی و برنامه های توسعه هر کشور، میزان عملی کردن این اهداف و در نهایت انعکاس این اقدامات در آمار و گزارش های جهانی است. روش تحقیق استفاده شده در این پژوهش، روش تطبیقی است که با تکیه بر گزارش های اسنادی سازمان ملل، شاخص های توسعه انسانی و مجمع جهانی اقتصاد و همچنین برنامه توسعه و گزارش های رسمی مربوط به زنان در دو کشور مالزی و ایران انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که به رغم اینکه در برنامه توسعه هر دو کشور به بهبود وضعیت زنان توجه و اقداماتی نیز انجام شده است، در عمل، براساس آمارهای جهانی، به خصوص در شاخص نابرابری و شکاف جنسیتی، مالزی رتبه بالاتری از ایران دارد. در این مقاله، تلاش خواهد شد دلایل این تفاوت تبیین و بررسی شود.

کلیدواژگان

برنامه توسعه ایران، برنامه توسعه سازمان ملل، برنامه توسعه مالزی، زنان، مجمع جهانی اقتصاد.

firoozeh.asghari@gmail.com

eco.a.honardost@ut.ac.ir

۱. هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

۲. کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مفید

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳۰

مقدمه

یکی از معیارهای مهم برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی هر کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان آن کشور است. زنان، به‌عنوان نیمی از منابع انسانی، نه‌تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای‌اند، بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند. ضرورت و الزام اقتصادی-اجتماعی مشارکت مولد زنان در برنامه‌های توسعه و پیشرفت جوامع بشری همیشه مطرح بوده است. اما هنوز در جوامع در حال توسعه، تعادل مطلوب و قابل قبول در امر مشارکت عادلانه زن و مرد و استفاده منصفانه از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برتر برقرار نشده است [۲].

از اوایل دهه هفتاد قرن بیستم، توجه به نقش زن در توسعه جامعه به یکی از اولویت‌های نهادهای بین‌المللی تبدیل شد. پیش از آن، تصور می‌شد که نابرابری‌های جنسیتی بر اثر توسعه اقتصادی زایل و کم می‌شود، اگرچه این تصور درست بود، کم‌کم معلوم شد که کوشش برای رفع این نابرابری نیز می‌تواند محرک مناسب و خوبی برای توسعه و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی باشد. بنابراین، رابطه متغیر شکاف جنسیتی و توسعه اقتصادی-اجتماعی، رابطه‌ای دوسویه است و نمی‌توان صرفاً برای توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی کرد و امید داشت که یکی از محصولات آن کاهش شکاف‌های جنسیتی باشد، بلکه برنامه‌ریزی برای کاهش این شکاف‌ها نیز به نوبه خود می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع و تقویت کند [۷].

وابسته‌بودن کاهش شکاف جنسیتی به توسعه اقتصادی در عرصه‌های مختلفی قابل بررسی است. عرصه اول، توسعه اجتماعی-اقتصادی است که شامل مجموعه تغییرات به هم پیوسته‌ای از جمله سطح سواد بزرگسالان به‌منزله مؤلفه بعد دانایی، امید به زندگی در زمان تولد به‌منزله مؤلفه زندگی سالم، و تولید ناخالص ملی همسان‌شده به‌منزله مقیاس‌های استاندارد زندگی است [۱]. عرصه دوم، به بیان مفهوم مشارکت سیاسی و تأثیر آن در حیات اجتماعی زنان می‌پردازد. مفهوم مشارکت سیاسی گاه به‌منزله وسیله و گاه به‌منزله هدف فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شود که فقط به حکومت و سیاست‌های آن محدود نمی‌شود. درواقع، مشارکت سیاسی حمایت‌های قانونی شکل‌گیری مطالبات، بحث‌های سیاسی، و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه‌ای است که به حکومت مربوط می‌شود. مشارکت سیاسی زنان، سبب آزادسازی نیروها و توان‌های بالقوه و نهفته نیمی از جمعیت جامعه شده و میزان مشارکت و نقش آن‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی بالا می‌برد و زمینه‌ساز رشد و توسعه و ثبات و عدالت در جامعه می‌شود. مشارکت اقتصادی به درک زنان از زندگی اجتماعی کمک می‌کند و آن‌ها را به‌عنوان عناصری مؤثر در خدمت جامعه درمی‌آورد [۹]. سومین عرصه، مربوط به گسترش تحرک اجتماعی در جامعه است. در این فرایند، با افزایش توانمندسازی زنان و تجهیز آن‌ها، در جهت توسعه فردی و تسلط فرد بر منابع و دستیابی به امکان انتخاب براساس خواست‌های فرد تلاش می‌شود. درواقع، در این سطح افراد

برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری‌های بنیانی است. توانمندسازی یک زن به این مفهوم است که او برای انجام‌دادن برخی کارها توانایی جمعی پیدا می‌کند و این امر به رفع نابرابری میان زنان و مردان منجر می‌شود [۸].

براساس گزارش توسعه جهانی (۱۹۹۴) اهمیت شکاف جنسیتی به نحوی است که نهادهای بین‌المللی رتبه‌بندی کشورها را بر مبنای شاخص‌های توسعه انسانی و نابرابری جنسیتی نیز تعدیل و کشورها را از حیث این شاخص‌ها با یکدیگر مقایسه می‌کنند. تفاوت میان مردان و زنان یکی از تفاوت‌های مهم در درون ارزش کلی شاخص توسعه انسانی یک کشور است [۳]. مطالعه حاضر به منظور درک بهتر از ابعاد جنسیتی برنامه‌های توسعه در ایران، میزان تحقق و انعکاس اقدامات صورت‌گرفته در گزارش‌های جهانی به مطالعه تطبیقی وضعیت کشور ایران با کشور مالزی اقدام کرد تا ضمن توصیف و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، امکان بررسی دلایل موفقیت و ناکامی‌های برنامه‌های زنان در ایران نیز میسر باشد. از این رو، به دلیل اهمیت موضوع و دستیابی به نتایج قابل قبول، مالزی به‌عنوان کشوری با وضعیتی مشابه کشور ایران در سطح سواد و تحصیلات، سطح بهداشت عمومی زنان، به‌ویژه زاد و ولد، آسیایی بودن، مقید بودن اکثر مردم به دین اسلام، تلاش برای رسیدن به توسعه و رسیدن به شاخص‌های توسعه‌یافتگی، برخورداری از فرهنگ خاص شرقی، و عضویت آن‌ها در سازمان کنفرانس اسلامی [۱۷] و شروع تقریباً هم‌زمان دو کشور برای انجام‌دادن اقدامات جدی در خصوص مسائل زنان، برای مقایسه با ایران انتخاب شد.

مالزی از جمله کشورهایی است که در سال‌های اخیر اقدامات درخور توجهی برای ارتقای جایگاه زنان انجام داده است. توجه ویژه به مسائل زنان در مالزی به‌عنوان اولویت اصلی در برنامه هشتم توسعه این کشور گام بلندی در دستیابی به اهداف دیدگاه ۲۰۲۰ ماهاتیر محمد است که در سال ۱۹۹۹ ارائه شده بود. توسعه جایگاه سلامت زنان، بالارفتن شمار دختران در حال تحصیل در مقاطع متوسطه و دانشگاه، و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای مشارکت بیشتر زنان و تلاش برای رفع نابرابری در مورد زنان [۱۹] از جمله اقداماتی بوده است که با هماهنگی دولت، سازمان‌های غیرانتفاعی، و نهادها و تشکل‌های غیردولتی، جایگاه مالزی را در گزارش‌های جهانی در رتبه بالاتری از کشورهای مشابه ثبت کرده است. به نظر می‌رسد دولت مالزی تلاش خود را بر ارتقای جایگاه و مسئولیت زنان متمرکز کرده است. البته بدیهی است به‌رغم همه فعالیت‌های انجام‌شده در مالزی، هنوز تا رسیدن به وضع مطلوب راه زیادی مانده است.

در این مقاله، به منظور بررسی وضعیت زنان در این دو کشور، ابتدا ضمن توجه به وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه مالزی و ایران به اقدامات انجام‌شده براساس شاخص‌های برابری جنسیتی در میان دیگر کشورها و بر اساس گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل» در دو بخش

«شاخص توسعه انسانی» و «شاخص نابرابری جنسیتی» و همچنین «گزارش مجمع جهانی اقتصاد» در بخش «شاخص شکاف جنسیتی» پرداخته می‌شود و در پایان، نتایج این مطالعه ارائه خواهد شد.

وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه در مالزی

مالزی در نخستین گام بعد از استقلال، تلاش خود را برای ریشه‌کنی فقر و توسعه کشاورزی در کشور آغاز کرد. به همین دلیل، توجه به زنان با اندکی تأخیر در این کشور صورت گرفت [۱۸]. در واقع برنامه برابری جنسیتی از سال ۱۹۸۰ به‌طور جدی شروع شده است. این کشور هم‌زمان با آغاز فرایند توسعه‌یافتگی از مشارکت زنان به‌خوبی بهره‌برداری کرده و توانسته است موفقیت‌های بسیاری در زمینه توسعه به‌دست آورد [۱۶].

در سال ۱۹۸۹، مالزی «سیاست ملی درباره زنان» را به‌عنوان راهنمای زنان جهت شرکت در فرایند توسعه تدوین کرد [۲۰]. این سیاست به افزایش کیفیت زندگی زنان با غلبه بر چالش‌ها برای ریشه‌کن کردن فقر و بهبود وضعیت زنان در دستیابی برابر به آموزش، کمک چشمگیری کرد و پایه و اساس بسیاری از اقدامات بعدی دولت در حوزه زنان قرار گرفت؛ از جمله تدوین فصلی با عنوان «زنان در توسعه» در برنامه ششم توسعه (۱۹۹۱-۱۹۹۵) است [۲۱]. در این برنامه، با تمرکز بر نیازهای زنان در پیشبرد موقعیت آن‌ها در جامعه در تثبیت جایگاه زنان در مالزی نقش اساسی داشت. با شروع این برنامه، در فوریه ۱۹۹۱، نخست‌وزیر مالزی، ماهاتیر محمد^۱، دیدگاهی راهبردی با عنوان «چشم‌انداز ۲۰۲۰» ارائه کرد. هدف این دیدگاه، تبدیل مالزی در حال توسعه به یک کشور صنعتی تا سال ۲۰۲۰ است. طبق این دیدگاه، تا سال ۲۰۲۰، مالزی باید در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی توسعه یابد. برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده، نخست‌وزیر تأکید می‌کند که مهم‌ترین ذخایر هر ملتی باید استعدادها، مهارت‌ها، خلاقیت، و اراده مردم آن باشد. ماهاتیر محمد در این چشم‌انداز به‌صراحت اعلام می‌کند که «اگر مهارت، شایستگی، توانایی‌ها، و انگیزه زنان مورد توجه قرار نگیرد، باعث هدر رفتن نیروی آن‌ها می‌شود» [۱۹].

برنامه هفتم توسعه (۱۹۹۵-۲۰۰۰) در مالزی هم‌زمان با برگزاری چهارمین کنفرانس بین‌المللی زنان سازمان ملل بود. این کنفرانس، که با شرکت فعال زنان مالزی همراه بود، دولت مالزی را به انجام‌دادن موارد مندرج در نقشه راه پکن^۲ به شرح زیر متعهد کرد:

- تجهیز ساختار ملی برای پیشرفت زنان؛
- افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری؛

1. Mahathir bin Mohamad
2. The Beijing Platform for Action

• حمایت از حقوق زنان در حوزه بهداشت، آموزش و پرورش، و رفاه اجتماعی؛

• حذف موانع قانونی و رفتارهای تبعیض‌آمیز درباره زنان.

در سال ۱۹۹۷، دولت مالزی به منظور پیشرفت زنان و در جهت الحاق به «کنوانسیون حذف تمام اشکال نابرابری علیه زنان (CEDAW)»^۱، برنامه ملی عمل (PoA)^۲ را به منظور ارتقای زنان و از بین بردن نابرابری میان مردان و زنان تدوین کرد [۲۲].

در برنامه هشتم توسعه (۲۰۰۱-۲۰۰۶)، مالزی نقطه اوج توجه این کشور به زنان بوده است؛ رشد پایدار، تقویت ترمیم‌پذیری اقتصادی، و ایجاد جامعه متحد و مشارکت بیشتر زنان در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی از موارد اصلی این برنامه است. در واقع دولت مالزی با این برنامه، گام اصلی خود را برای ارتقای جایگاه زنان این کشور برداشته است. تلاش برای عملی کردن این برنامه، که به فراهم کردن تسهیلات لازم برای دسترسی برابر زنان و مردان به شاخص جهانی «سلامت»، «آموزش»، و «فعالیت‌های اقتصادی» معطوف است، نقش ویژه‌ای در ارتقای جایگاه مالزی در میان کشورهای با وضعیت مشابه ایفا کرد. در این برنامه، مقدمات و زمینه‌های لازم برای مشارکت بیش از پیش زنان در برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی مالزی فراهم شد. دولت با فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش زنان به منظور کسب مهارت تلاش کرد تا زنان نیز بتوانند به‌عنوان نیروی کار، نقشی برابر با مردان در اقتصاد به‌دست آورند.

فصل بیستم برنامه هشتم با عنوان «زنان و توسعه» کاملاً به زنان اختصاص دارد. خلاصه اهداف برنامه در این فصل بدین شرح است:

- افزایش حضور و مشارکت زنان در بازار کار؛
- توسعه و افزایش فرصت‌های آموزشی برای زنان؛
- بهبود و ارتقای جایگاه زنان در بازار کار؛
- بازنگری قوانین به نفع زنان؛
- بهبود وضع سلامت زنان؛
- تقویت و تحکیم فعالیت‌های تحقیقاتی زنان به منظور شرکت آن‌ها در توسعه و بهبود رفاه خودشان؛
- تقویت سازمان‌های ملی و نهادهای مورد نیاز برای توسعه امور مربوط به زنان [۲۳].

در همان سال اول برنامه هشتم توسعه، یعنی سال ۲۰۰۱، نخست‌وزیر (ماهاتیر محمد)، وزارت زنان، خانواده^۳ (و توسعه) را ایجاد و یک سیاستمدار برجسته زن را به‌عنوان نخستین وزیر آن انتخاب کرد [۱۶]. بودجه این وزارتخانه از ۱/۸ میلیون رینگیت (۰/۵ میلیون دلار

1. All Forms of Discrimination Against Women

۲. «برنامه ملی عمل» (A National Plan of Action) و «سیاست ملی در حوزه زنان» دوباره در سال ۲۰۰۹ بازبینی شد.

3. Ministry of Women, Family and Community Development

امریکا) در سال ۲۰۰۱ به ۳۰٫۵ میلیون رینگیت (۸٫۶ میلیون دلار آمریکا) در ۲۰۰۵ رسید [۲۶]. در همین سال، قانون اساسی مالزی، به منظور رفع تبعیض جنسیتی اصلاح شد. در آگوست ۲۰۰۴ نیز، نخست‌وزیر اعلام کرد ۳۰ درصد مناصب تصمیم‌گیری در حکومت به زنان اختصاص پیدا خواهد کرد [۱۶]. اجرای این برنامه گام مهم و تأثیرگذاری در اشتغال زنان مالزی، به خصوص در شغل‌های مدیریتی و تخصصی، بوده است. اقدامات لازم برای عملی کردن این تصمیم از طریق وزارت زنان و خانواده انجام شد. ایجاد فضا و امکان برای فعالیت سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در امور زنان و همچنین تقویت و حمایت مالی برای مطالعات و تحقیقات در حوزه زنان از پیامدهای مثبت برنامه هشتم بود که از سوی وزارت زنان و خانواده انجام شد [۲۶؛ ۳۴].

برنامه نهم توسعه (۲۰۰۶-۲۰۱۰) گامی دیگر در جهت عملی‌سازی اهداف چشم‌انداز ۲۰۲۰ به منظور توانمندسازی زنان مالزی است که شامل برنامه اعمال سیاست‌ها و استراتژی‌های ضروری از طریق تجهیز زنان به مهارت‌ها و دانش لازم برای پیشرفت در برنامه دانایی‌محور است [۲۴]. از ویژگی‌های این برنامه، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و انجام دادن پروژه‌های مشترک در خصوص زنان است. برای مثال وزارت زنان و خانواده و توسعه مالزی در سال ۲۰۰۸ با همکاری سازمان‌های بین‌المللی مانند برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)^۱ شاخص‌هایی را برای توسعه زنان با عنوان شاخص شکاف جنسیتی زنان مالزی (MGGI)^۲ تعریف کرده است [۳۲]. این شاخص‌ها شامل سلامت، آموزش، فعالیت‌های اقتصادی، توانمندسازی زنان، و بهبود زیرساخت‌های اجتماعی است. این همکاری زمینه‌ساز دستیابی سریع‌تر مالزی به اهداف چشم‌انداز ۲۰۲۰ است. دست‌اندرکاران این برنامه امیدوار بودند که روند نابرابری جنسیتی از طریق این شاخص‌ها به توسعه استراتژی‌هایی منجر شود که هم مردان و هم زنان در دسترسی برابر به منابع سلامت، آموزش، فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های اقتصادی، و فرصت‌های برابر برای رشد سیاسی موفق شوند [۲۷]. از نتایج مثبت این همکاری می‌توان به افزایش موقعیت‌های زنان در پست‌هایی مانند ریاست دانشگاه، ریاست بانک مرکزی، و اجازه قضاوت در دادگاه‌ها اشاره کرد. مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری در همه سطوح در بخش دولتی از سال ۲۰۰۸ کاملاً آشکار و محسوس است. پرداخت بودجه‌ای جهت رفع فقر زنان سرپرست خانوار، مبارزه با خشونت علیه زنان، بالابردن اثربخشی استراتژی‌های جریان‌ساز جنسیتی، از بین بردن نگرش و دیدگاه‌های منفی و تأثیرگذار در خصوص ظرفیت‌سازی زنان و بالابردن سطح مشارکت زنان در تجارت، سیاست، و امور دولتی از اقدامات اصلی در این دوره است.

1. United Nations Development Programme
2. Malaysia's Gender Gap Index (MGGI)

مجموعه فعالیت‌های انجام‌شده در قالب برنامه‌های توسعه در مالزی با هدف دستیابی به اهداف «چشم‌انداز ۲۰۲۰» اگرچه هنوز به‌طور کامل انجام نشده است، تلاش دولت برای تحقق این اهداف در برنامه دهم توسعه نیز به چشم می‌خورد.

در برنامه دهم توسعه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، دولت مالزی تلاش خود را برای فعال‌کردن زنان و استفاده از پتانسیل کامل آن‌ها و افزایش شرکت مؤثر آنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور آغاز کرده است [۲۵]. افزایش تعداد زنان در پست‌های سیاستگذار و تصمیم‌گیر، افزایش زنان به‌عنوان نیروی کار، بهبود پشتیبانی از زنان در شرایط سخت مانند بیوگی، مادران مجرد، و زنان با درآمد پایین و در نهایت رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان از برنامه‌های اعلام‌شده از سوی دولت مالزی در برنامه دهم توسعه است [۲۸].

اگرچه برآیند اقداماتی از این دست به دستیابی این کشور به مرتبه‌ای بالاتر از کشورهای مشابه در خصوص زنان منجر شده است، به اذعان فعالان حقوق زنان در مالزی هنوز مشکلات زیادی بر سر راه زنان در این کشور وجود دارد و کشور مالزی تا رسیدن به وضعیت مطلوب راه زیادی در پیش دارد.

وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه در ایران

در ایران نیز در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، در دوره پس از انقلاب اسلامی، اگرچه بندی با عنوان مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن لحاظ شد، در واقع در این برنامه «سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت» به‌منزله مسئله اصلی درباره زنان مورد توجه قرار گرفت [۱۰]. در ادامه این اقدام فعالیت‌هایی در حوزه زنان به منظور تحقق این هدف انجام شد. فعالیت‌هایی نظیر افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم، اعتلای موقعیت زنان از طریق آموزش، ارتقای سطح سلامت افراد جامعه، و کاهش مرگ‌ومیر مادران و کودکان و لغو مقررات مشوق رشد جمعیت.

در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، در مقایسه با برنامه اول، مواد بیشتری از برنامه به زنان اختصاص یافت که عبارت بودند از:

- پرورش روحیه همبستگی ملی و احترام به قانون و ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- حفظ قداست خانواده و ارزش‌های انقلاب اسلامی و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی؛

- توجه ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت بدنی و پرکردن اوقات فراغت بانوان، مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن.

نکته مهم در طول این برنامه، شروع فعالیت دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری^۱ و کمیسیون امور بانوان وزارت کشور است که گام بسیار مهم و اساسی در تدوین و اجرایی کردن برنامه‌های توسعه در حوزه زنان و زمینه‌ساز تأسیس دفاتر و تشکیل نهادهای سازمان‌ها و تشکیلات دولتی و غیر دولتی در حوزه زنان بوده است [۱۱].

برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) با نگرش سیاستگذار، مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بود، بنابراین، از دو برنامه پیشین توجه به وضعیت زنان به گونه‌ای روشن‌تر طرح شد [۵]. سیاستگذار در این برنامه همه اهداف و برنامه‌های ویژه زنان را در قالب ماده ۱۵۸ ذیل وظایف مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری) خلاصه کرد؛ اهدافی مانند سازماندهی طرح‌های مطالعاتی در خصوص مسائل و نیازهای زنان، بررسی وضعیت اشتغال زنان، و افزایش و بهبود فرصت‌های شغلی زنان از طریق شورای عالی اشتغال، شناسایی نیازهای آموزشی زنان، شناسایی مسائل و مشکلات حقوقی و قضایی زنان، تشکیل و توسعه سازمان‌های غیردولتی زنان، و واگذاری نقش‌های بیشتر به آن‌ها و همچنین تربیت مدیران توانمند [۱۲].

در برنامه سوم توسعه، موضوع زنان برای نخستین بار وارد برنامه‌ریزی کلان کشور شد. موفقیت این مرکز در دستیابی به اهداف برنامه سوم، گامی مثبت برای ارتقای جایگاه نسبی زنان در کشور بوده است. در این دوره، به دلیل فعالیت‌های چشمگیر این مرکز، بودجه آن از ۴۰ میلیون تومان در سال ۱۳۷۶ به ۲۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ رسید [۶].

در واقع برنامه سوم توسعه آغاز توجه جدی دولت به مسائل زنان در کشور بوده است؛ به طوری که در سطح ملی شکاف جنسیتی در طول برنامه سوم در مجموع به وضوح کاهش یافته است [۱۵]. موفقیت نسبی زنان در برنامه سوم به افزایش بندهایی بیشتر در خصوص زنان در برنامه چهارم توسعه منجر شد.

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) هم‌زمان با «چشم‌انداز بیست‌ساله اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تدوین شد. در این برنامه، تأکید اصلی بر دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، افزایش سطح کارآیی و ارتقای مهارت‌های شغلی زنان، حمایت از زنان سرپرست خانوار، تقویت بنیان خانواده و افزایش مستمری زنان سرپرست خانوار، و مهم‌تر از همه «تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان» و توانمندسازی زنان در جهت برقراری تعاملات اجتماعی با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنان در کشور بود. همچنین در این برنامه، حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی، و تشکل‌های زنان نیز پیش‌بینی شده بود [۱۳].

۱. این دفتر در سال ۱۳۷۷ به مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری تغییر یافت.

درواقع، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه بر توجه به عدالت جنسیتی برای معماری یک جامعه دانایی‌محور، که از یک‌سو براساس حقوق انسان‌ها و مبانی جامعه مدنی و از سوی دیگر بر طبق اصول علمی اقتصادی بنا شده است، تأکید کرده است و بدین‌منظور سند جامع توسعه مشارکت زنان (مشمول بر چهارده عنوان برنامه در بخش اقدامات اجرایی) ارائه شده است.

در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، بسیاری از بندهای مربوط به زنان با تأکید بر تحکیم نهاد خانواده تدوین شد. خلاصه اهداف برنامه پنجم درخصوص زنان در ماده ۲۳۰ این برنامه به‌خوبی مشخص است: تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی- معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی، و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده [۱۴].

با گذشت دو سال از برنامه پنجم توسعه، در خرداد ۱۳۹۲، مرکز مشارکت امور زنان به معاونت زنان و امور خانواده تغییر کرد و در مرداد همان سال ریاست این مرکز از مشاور رئیس‌جمهور در امور بانوان، به معاون رئیس‌جمهور در امور بانوان ارتقا یافت. این اقدام به معنای افزایش زنان در هیئت دولت و در نتیجه تأثیرگذاری در امتیاز مربوط به شاخص توانمندسازی زنان است. تصمیم درخصوص تأسیس «وزارتخانه زنان» در کشور ایران، که از اوایل برنامه پنجم توسعه مطرح شده بود، به دلیل تعدد نظرهای مخالف و موافق صاحب‌نظران تاکنون مسکوت مانده است [۴].

از مجموع پنج برنامه توسعه در دوران بعد از انقلاب به نظر می‌رسد نگاه برنامه‌ریزان به ارتقای وضعیت زنان مثبت و با اندکی نوسان رو به جلو بوده است. اما آنچه در عمل حائز اهمیت است همکاری هماهنگ همه دستگاه‌ها و نهادها در جهت اجرایی‌شدن و تداوم برنامه‌ها است؛ به‌نحوی که در پایان برنامه بیست‌ساله توسعه کشور، درصد اجرای برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای زنان قابل دفاع باشد.

تحلیل یافته‌ها

در این بخش، ابتدا به تعریف شاخص توسعه انسانی و شاخص نابرابری و شکاف جنسیتی و بیان زیرشاخص‌های هریک از آنها می‌پردازیم و سپس به بررسی، تحلیل، و مقایسه وضعیت زنان

ایران و مالزی، براساس شاخص شکاف جنسیتی در گزارش‌های جهانی سازمان ملل و مجمع جهانی اقتصادی، خواهیم پرداخت.

وضعیت زنان در ایران و مالزی به روایت گزارش‌های جهانی

برنامه توسعه سازمان ملل^۱ از شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی توسعه پایدار استفاده می‌کند. یکی از این شاخص‌ها، شاخص توسعه انسانی (HDI)^۲ است. شاخص توسعه انسانی در ابعاد سلامت، آموزش، و استاندارد زندگی و شاخص‌هایی مانند امید به زندگی و درآمد سرانه ملی بررسی می‌شود. براساس گزارش ۲۰۱۲، شاخص توسعه انسانی رتبه ایران در این فهرست ۷۶ و رتبه کشور مالزی ۶۴ است. نکته درخور توجه اینکه به‌رغم بهتر بودن رتبه مالزی از ایران براساس گزارش ۲۰۱۲-۲۰۰۷ سازمان ملل رتبه ایران در طی این سال‌ها هفت پله ارتقا داشته است و این در حالی است که مالزی فقط یک پله ارتقا داشته است [۲۹]. ایران جزء کشورهایی است که در دو دهه اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه شاخص توسعه انسانی داشته است. ارتقای جایگاه کشورمان از کشورهای با رتبه متوسط به کشورهای با رتبه بالا یکی از نشانه‌های بارز این پیشرفت است.

شاخص دیگری که به مقایسه توزیع قدرت در میان دو جنس می‌پردازد، شاخص نابرابری جنسیتی (GII)^۳ است [۳۰]. این شاخص به نابرابری قدرت میان زنان و مردان توجه دارد. نکته شایان ذکر این است که در گزارش‌های قبلی این نابرابری با عناوین GDI^۴ یا GEM^۵ بررسی می‌شد، اما در بیستمین سالگرد انتشار گزارش توسعه جهانی به GII تغییر پیدا کرد [۲۰]. این شاخص در واقع حاصل ترکیب دو شاخص قبلی است.

شاخص نابرابری جنسیتی شامل ابعاد و شاخص‌های زیر است [۲۵]:

شاخص‌ها شامل: ۱. مرگ و میز مادران، ۲. باروری نوجوانان، ۳. نمایندگی مجلس، ۴. دسترسی به آموزش متوسطه و بالاتر، ۵. مشارکت در نیروی کار هستند که ذیل سه بعد بازار کار، قدرت، و باروری سالم مطالعه و سنجیده می‌شوند.

نکته مهم در میان این شاخص‌ها نرخ باروری نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ سال در هر ۱۰۰۰ نفر است که در کشورهای اسلامی با توجه به جایگاه نهاد خانواده، ویژگی‌های خاص فرهنگی، کلیه روابط تعریف شده و قانونی است. بنابراین، با توجه به اینکه ایران و مالزی جزء کشورهای اسلامی هستند، محاسبه و مقایسه دو کشور در این شاخص مصداق ندارد.

1. United Nation Development Programm
2. Human Development Index
3. Gender Inequality Index
4. Gender Development Index
5. Gender Empowerment Measure

جدول ۱. وضعیت ایران و مالزی بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی در میان ۱۴۸ کشور در سال ۲۰۱۲

درصد مشارکت زنان در بازار کار	مرگ و میر زنان در زایمان (در هر ۱۰۰ هزار تولد)	درصد زنان تحصیل کرده در متوسطه و بالاتر	درصد نمایندگان زن	رتبه	امتیاز*	
۱۶,۴	۲۱	۶۲,۱	۳,۱	۱۰۷	۰,۴۹۶	ایران
۴۳,۸	۲۹	۶۶	۱۳,۲	۴۲	۰,۲۵۶	مالزی

منبع: گزارش برنامه توسعه سازمان ملل ۲۰۱۳

* در این جدول امتیاز بالاتر به معنای افزایش نابرابری جنسیتی است.

نکته درخور توجه در این گزارش، که نشان‌دهنده اختلاف رتبه میان دو کشور براساس شاخص نابرابری جنسیتی است، تفاوت در میزان مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان است، به‌طوری‌که در بخش میزان مشارکت اقتصادی، درصد شرکت زنان در بازار کار در مالزی تقریباً سه برابر این رقم در ایران است و همچنین در شاخص میزان مشارکت سیاسی، درصد نمایندگان زن در مالزی تقریباً چهار برابر این رقم در ایران است.

وضعیت زنان در ایران و مالزی به روایت گزارش‌های مجمع جهانی

اقتصاد

در این بخش، به بررسی و تحلیل وضعیت زنان در ایران و مالزی براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد^۱ در سال ۲۰۱۳ پرداخته می‌شود. گزارش مجمع جهانی به‌طور سالانه وضعیت کشورها را در حوزه‌های مختلف و براساس شاخص‌های تعیین‌شده بررسی و اعلام می‌کند. یکی از این شاخص‌ها شاخص شکاف جنسیتی (GGI)^۲ است.

اهمیت این شاخص به نحوی است که نهادهای بین‌المللی رتبه‌بندی کشورها را بر مبنای شاخص‌های توسعه انسانی، برحسب جنسیت تعدیل می‌کنند و کشورها را از حیث شاخص جدید با یکدیگر مقایسه می‌کنند. این شاخص همان شاخص توسعه انسانی است با این تفاوت که شاخص‌های توسعه انسانی را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آن‌ها تعدیل می‌کنند [۷].

شاخص شکاف جنسیتی، وضعیت زنان و مردان را در چهار مقوله اصلی مقایسه می‌کند:

۱. مشارکت اقتصادی؛

1. World Economic Forum Report

2. Gender Gap Index

۲. فرصت دستیابی به آموزش؛

۳. سلامت و طول عمر؛

۴. قدرت سیاسی.

هریک از این مقوله‌ها خود به چهار زیرشاخص مرتبط دیگر تقسیم می‌شود که در مجموع امتیاز آن‌ها تعیین‌کننده امتیاز نهایی در این شاخص اصلی است [۳۲].

در مطالعه حاضر، ضمن بررسی جایگاه دو کشور ایران و مالزی در میان ۱۳۵ کشور دنیا، به‌اختصار وضعیت زنان براساس شاخص‌های تعیین‌شده در این دو کشور مقایسه خواهد شد.

جدول ۲. رتبه ایران در شاخص شکاف جنسیتی طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۲

توانمندی سیاسی	سلامت و طول عمر	دستیابی به آموزش	مشارکت اقتصادی	کلی	
۱۲۶	۸۷	۱۰۱	۱۳۰	۱۲۷	شاخص ۲۰۱۲ در ۱۳۵ کشور
۰/۰۳۵	۰/۹۷۱	۰/۹۵۳	۰/۴۱۲	۰/۵۹۳	
۱۳۰	۸۵	۱۰۵	۱۲۵	۱۲۵	شاخص ۲۰۱۱ در ۱۳۴ کشور
۰/۰۱۷	۰/۹۷۱	۰/۹۲۵	۰/۴۴۴	۰/۵۸۹	
۱۲۹	۸۳	۹۶	۱۲۵	۱۲۳	شاخص ۲۰۱۰ در ۱۳۴ کشور
۰/۰۱۷	۰/۹۷۱	۰/۹۵۹	۰/۴۲۶	۰/۵۹۳	
۱۳۲	۶۳	۹۶	۱۳۱	۱۲۸	شاخص ۲۰۰۹ در ۱۳۰ کشور
۰/۰۱۷	۰/۹۷۸	۰/۹۶۴	۰/۳۷۷	۰/۵۸۴	
۱۲۸	۶۰	۹۲	۱۱۸	۱۱۶	شاخص ۲۰۰۸ در ۱۳۰ کشور
۰/۰۱۷	۰/۹۷۸	۰/۹۶۵	۰/۴۴۹	۰/۶۰۲	
۱۲۲	۵۸	۹۰	۱۲۳	۱۱۸	شاخص ۲۰۰۷ در ۱۲۸ کشور
۰/۰۳۱	۰/۹۷۸	۰/۹۵۸	۰/۳۹۵	۰/۵۹۰	
۱۰۹	۵۲	۸۰	۱۱۳	۱۰۸	شاخص ۲۰۰۶ در ۱۱۵ کشور
۰/۰۳۱	۰/۹۷۸	۰/۹۵۴	۰/۳۵۹	۰/۵۸۰	

منبع: مجمع جهانی توسعه، گزارش شاخص شکاف جنسیتی ۲۰۱۲ [۳۰]

جدول ۲ وضعیت شکاف جنسیتی در ایران را از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ نشان می‌دهد. نکته درخور توجه اینکه در هر سال تعداد کشورهای مورد مقایسه متفاوت است و رتبه به دست آمده براساس تعداد کشورهای مورد مقایسه قابل تحلیل است.

در شاخص شکاف جنسیتی، رتبه نهایی ایران ۱۲۷ است. براساس جدول ۲، ایران با رتبه ۸۷ در شاخص «سلامت و طول عمر» در مقایسه با دیگر شاخص‌ها بهترین وضعیت را دارد. این

شاخص دو زیر شاخص دارد: «نسبت جنس در هنگام تولد» و «امید به زندگی در زنان و مردان». امتیاز ایران در این شاخص بسیار بالاست. شاخص دیگری که امیدوارکننده و در واقع دور از انتظار نیست، وضعیت دستیابی به آموزش در میان زنان و مردان است. این شاخص چهار زیرشاخص دارد: «نرخ سواد»، «شرکت در آموزش ابتدایی»، «شرکت در آموزش متوسطه»، و «شرکت در آموزش عالی». ایران در هر چهار زیرشاخص از وضع مطلوبی برخوردار است. به طوری که در دو زیرشاخص دوم و چهارم رتبه یک را دارد. اما متأسفانه در شاخص «مشارکت اقتصادی»، به دلیل فاصله زیاد میان مردان و زنان به عنوان نیروی کار، تعداد اندک مدیران زن، و... در فهرست انتهایی جدول قرار دارد. در شاخص توانمندی سیاسی نیز، به دلیل تعداد اندک زنان نماینده در مجلس ایران در مقایسه با مردان نماینده و همچنین حضور کم رنگ زنان در هیئت دولت رتبه خوبی ندارد.

جدول ۳. وضعیت مالزی در شاخص شکاف جنسیتی طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۲

کل	مشارکت اقتصادی	دستیابی به آموزش	سلامت و طول عمر	توانمندی سیاسی	
۱۰۰	۹۸	۷۲	۷۸	۱۲۰	شاخص ۲۰۱۲ در ۱۳۵ کشور
۰.۶۵۴	۰.۵۹۹	۰.۹۹۱	۰.۹۷۳	۰.۵۳	
۹۷	۹۵	۶۵	۷۸	۱۱۵	شاخص ۲۰۱۱ در ۱۳۴ کشور
۰.۶۵۳	۰.۵۹۴	۰.۹۹۱	۰.۹۷۴	۰.۵۲	
۹۸	۹۹	۶۵	۷۸	۱۱۰	شاخص ۲۰۱۰ در ۱۳۴ کشور
۰.۶۴۸	۰.۵۷۶	۰.۹۹۰	۰.۹۷۴	۰.۵۲	
۱۰۰	۱۰۳	۷۷	۱۰۳	۱۱۳	شاخص ۲۰۰۹ در ۱۳۰ کشور
۰.۶۴۷	۰.۵۶۵	۰.۹۸۹	۰.۹۶۹	۰.۶۳	
۹۶	۱۰۰	۷۵	۹۸	۱۰۹	شاخص ۲۰۰۸ در ۱۳۰ کشور
۰.۶۴۴	۰.۵۵۵	۰.۹۹۰	۰.۹۶۹	۰.۶۳	
۹۲	۹۳	۷۱	۹۷	۱۰۱	شاخص ۲۰۰۷ در ۱۲۸ کشور
۰.۶۴۴	۰.۵۶۷	۰.۹۸۵	۰.۹۶۹	۰.۵۸	
۷۲	۶۸	۶۳	۸۰	۹۰	شاخص ۲۰۰۶ در ۱۱۵ کشور
۰.۶۵۱	۰.۵۹۲	۰.۹۸۵	۰.۹۷۰	۰.۵۶	

منبع: مجمع جهانی توسعه، گزارش شاخص شکاف جنسیتی ۲۰۱۲ [۳۳: ۳۶].

جدول ۳ وضعیت شکاف جنسیتی در مالزی را از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ نشان می‌دهد. رتبه نهایی کشور مالزی براساس شاخص شکاف جنسیتی با امتیاز ۰.۷۷۳، ۱۰۰ در مقابل امتیاز ۰/۵۹۲ و رتبه ۱۲۷ ایران قرار دارد. در واقع در مقایسه با کشور ایران در رده بالاتری قرار دارد.

نکته درخور توجه اینکه بهرغم بهتر بودن رتبه مالزی در این شاخص در مقایسه با ایران شایان ذکر است که با توجه به جدول ۲ در طول سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۶ ایران توانسته است امتیاز خود را در شاخص مربوطه ۲/۲۴ درصد بهبود بخشد و این در حالی است که مالزی فقط در این زمینه توانسته است ۰/۴۶ درصد رشد کند. مالزی نیز، مانند ایران، در دو شاخص دستیابی به آموزش و شاخص سلامت و طول عمر در مقایسه دیگر شاخص‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد. با توجه به زیرشاخص‌ها، رتبه مالزی در ثبت نام آموزش متوسطه یک است. در واقع، این رتبه به این معناست که مالزی در این شاخص بالاترین امتیاز موجود را کسب کرده و به استاندارد رسیده است. در حالی که ایران فقط با اندکی اختلاف در امتیاز در رتبه ۱۱۷ قرار دارد. این نکته شایان ذکر است که در شاخص GII میزان ثبت نام آموزش متوسطه و آموزش عالی را به صورت مجموع محاسبه می‌کنند. در نتیجه ایران، بهرغم مشارکت بالای زنان در آموزش عالی، به دلیل امتیاز کمتر در مقایسه با مالزی در تعداد ثبت نام در دوره متوسطه، در رتبه پایین تری از مالزی قرار می‌گیرد و این در حالی است که امتیاز ایران در نسبت ورود زنان به آموزش عالی در مقایسه با مالزی بیشتر است. در این خصوص، ایران باید در جلوگیری از ترک تحصیل دختران در مقاطع ابتدایی و متوسطه اقدامات جدی اتخاذ کند.

امتیاز مالزی در زیرشاخص‌هایی مانند تعداد زنان نماینده در مجلس اگرچه از کشورهای دیگر بسیار اندک تر است، در مقایسه با ایران در وضعیت بهتری قرار دارد. در عین حال، نسبت زنان در هیئت دولت در ایران بهرغم امتیاز نازل ایران، نسبت به مالزی در وضع بهتری است. به طوری که براساس جدول‌های ۲ و ۳ شاخص توانمندسازی سیاسی زنان بین سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۶ در ایران از رشد ۱۳ درصدی برخوردار بوده و این در حالی است که مالزی در این مدت مشابه رشد منفی ۸/۶ درصد در این زمینه داشته است. بنابراین با توجه به اینکه در این شاخص امتیاز مالزی از ایران بالاتر است، ایران رشد بسیار چشمگیری در زمینه مشارکت سیاسی زنان داشته و اوضاع به نفع زنان تغییرات مثبتی کرده است.

در شاخص میزان مشارکت اقتصادی، مالزی همواره از ایران امتیاز بالاتری داشته است، ولی هنگامی که بخواهیم میزان رشد مشارکت اقتصادی را طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۶ با یکدیگر مقایسه کنیم، در این زمینه تفاوت چشمگیری به نظر نمی‌رسد؛ به طوری که رشد مشارکت اقتصادی زنان در ایران برابر با ۲/۲۴ درصد و در مالزی برابر با ۵/۶۴ درصد است. تفاوت در رتبه مشارکت اقتصادی ناشی از بالا بودن نرخ بیکاری زنان در مقایسه با مردان و همچنین نسبت اندک زنان در مشاغل مدیریتی و اجرایی نسبت به مردان است.

در شاخص بهداشتی، سلامت، و بقا شایان ذکر است که وضعیت سلامتی و بهداشت مهم‌ترین تأثیر خود را بر امید به زندگی در بدو تولد می‌گذارد. براساس گزارش‌های سازمان ملل بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقدار شاخص امید به زندگی در بدو تولد میان زنان در سال

۲۰۰۵ برای ایران برابر با ۷۱٫۸ سال و برای مالزی برابر با ۷۶٫۱ سال است. این در حالی است که طبق آخرین گزارش‌ها مقدار این شاخص در سال ۲۰۱۲ برای ایران برابر با ۷۳٫۲ سال و برای مالزی برابر با ۷۴٫۵ سال است. نکته درخور توجه اینکه به‌رغم اینکه طبق آخرین گزارش‌های سازمان ملل میزان شاخص امید به زندگی در بدو تولد در مالزی بالاتر از ایران است، باید به این مهم توجه کرد که در فاصله سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۲ ایران در زمینه این شاخص ۱٫۹۵ درصد رشد مثبت داشته است؛ در حالی که مالزی از رشد منفی ۲٫۱ درصد برخوردار بوده است. بنابراین، مالزی، برخلاف ایران، در این زمینه تنزل داشته است.

نتیجه‌گیری

مقایسه دو کشور ایران و مالزی نشان می‌دهد که به‌رغم شباهت‌های این دو کشور در حال توسعه، سال‌هاست که کشور مالزی به دلیل موقعیت برتر و موفق در حوزه مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان در میان کشورهای در حال توسعه، به‌خصوص ایران، در وضعیت بهتری قرار دارد. براساس مطالعات انجام‌شده و نتایج تحقیق اهم عملکرد دولت مالزی، به‌ویژه در حوزه زنان، را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

- مصمم‌بودن دولت مالزی در اجرای برنامه‌های توسعه براساس چشم‌انداز ۲۰۲۰؛
 - توجه به تغییرات جهانی در خصوص زنان در محیط بین‌الملل؛
 - گسترش فعالیت سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی زنان در مالزی؛
 - دستیابی زنان مالزی به قدرت اقتصادی و توانمندشدن در حوزه اقتصاد؛
 - گسترش ارتباطات بین‌المللی از طریق اجرای طرح‌های مشترک در خصوص زنان؛
 - برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و شرکت فعال زنان مالایی در کنفرانس‌های معتبر بین‌المللی (این اقدام در تبادل آرا و تجربیات موفق کشورها در اجرای برنامه‌های زنان بسیار تأثیرگذار بوده است)؛
 - تلاش در جهت تطبیق شاخص‌های توسعه زنان با شاخص‌های جهانی (برای مثال همکاری وزارت زنان و خانواده مالزی با برنامه توسعه سازمان ملل و تدوین شاخص شکاف جنسیتی مالزی براساس شاخص‌های جهانی، نمونه‌ای بسیار جالب از ابتکار کشور مالزی برای قرارگرفتن در موقعیتی برتر از کشورهای مشابه است).
- آنچه در ارتقای جایگاه زنان در ایران می‌تواند راهنمای مؤثری باشد، هماهنگی سه نهاد یعنی دولت، بخش خصوصی، و سازمان‌های غیردولتی در مالزی است که برای اجرا و دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه و رفع موانع موجود است.
- اگرچه سال‌هاست که کشور ایران در دستیابی به آموزش و سلامت و بهداشت گام‌های اساسی برداشته و در مواردی مانند کاهش مرگ و میر زنان، بهبود شاخص امید به زندگی،

کاهش بی‌سوادی، افزایش نرخ سواد، و مشارکت زنان در دانشگاه اقدامات مثبتی انجام داده است، به‌رغم این اقدامات امیدوارکننده، سهم اندک زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با مردان، انگشت‌شمار بودن تعداد کرسی‌های زنان در مجلس، و همچنین تعداد محدود مدیران زن در پست‌های مدیریتی نسبت به مردان، نشان از لزوم تلاش بیشتر و جدی‌تر و برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه و استفاده مناسب از همه امکانات، نهادها، و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای دستیابی به وضعیت مطلوب دارد.

منابع

- [۱] آصف‌زاده، سعید؛ پیری، زکیه (۱۳۸۳). «مفاهیم توسعه انسانی و روند شاخص توسعه انسانی»، دوفصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، س ۷، ش ۲، ص ۱۹۱.
- [۲] باقریان، میترا (۱۳۶۹). بررسی ویژگی‌های اشتغال زنان در ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ص ۴۲.
- [۳] برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۳۷۴). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، جدول‌ها و گزیده‌ای از متن، [ترجمه‌شده در] مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ص ۵۰.
- [۴] چشم‌انداز بیست‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳۸۴). تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۲۰-۲۵.
- [۵] زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۵). زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳، ص ۱۰۰-۱۰۵.
- [۶] شجاعی، زهرا (۱۳۹۲). «مصاحبه»، روزنامه شرق، ۲۰ مهر، ص ۸.
- [۷] صادقی فسایی، سهیلا؛ کلهر، سمیرا (۱۳۸۶). «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه»، مجله پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۲، ص ۲۸-۵.
- [۸] طاهرخانی، ستاره (۱۳۸۷). زنان و اهداف توسعه هزاره، فصلنامه تحقیقات زنان، ش ۲، ص ۱۰۱.
- [۹] علم، محمدرضا؛ حمیدی‌نسب، منا؛ حزباوی، سمیره (۱۳۹۰). «زنان و مشارکت سیاسی»، فصلنامه زن و فرهنگ، ش ۹، ص ۱۰۱.
- [۱۰] قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۱۳۷۲ (۱۳۷۳). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ص ۲۷-۳۰.
- [۱۱] قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (۱۳۷۵). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات،

- ص ۱۵-۲۰.
- [۱۲] قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (۱۳۷۸). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ص ۱۸-۲۳.
- [۱۳] قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ (۱۳۸۵). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ص ۱۹-۲۴.
- [۱۴] قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ۱۳۹۰-۱۳۹۴ (۱۳۸۹). تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ص ۲۱-۲۶.
- [۱۵] قدیمی، اکرم؛ قربانی، ارسلان؛ حریری، رحمان (۱۳۹۰). «مقایسه جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و کلان جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات زنان، س ۵، ش ۳، ص ۲-۶.
- [۱۶] کولایی، الهه؛ حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۵). «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان، ص ۳۷-۴۲.
- [۱۷] مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای ایران و مالزی و ترکیه، تهران: انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، ص ۱۸-۶۲.
- [۱۸] معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران و کشورهای منتخب، ص ۵-۱۵.
- [19] Malaysia as a Fully Developed Country, Office of the Prime Minister of Malaysia (2013). available at <http://www.pmo.gov.my>.
- [20] The National Council of Women's Organisations Malaysia (NCWO) (2012), available at: http://www.ncwomalaysia.org.my/index.php?option=com_content&view=article&id=48&Itemid=28.
- [21] The Sixth Malaysia Plan (1990-1995). 2013, Official Website Prime Minister, s Office of Malaysia, available at: www.pmo.gov.my.
- [22] The Seventh Malaysia Plan (1996-2000). 2013, Official Website Prime Minister, s Office of Malaysia, available at: www.pmo.gov.my.
- [23] The Eighth Malaysia Plan (2001-2005). 2013, Official Website Prime Minister, s Office of Malaysia, available at: www.pmo.gov.my.
- [24] The Ninth Malaysia Plan (2006-2010). 2013, Official Website Prime Minister, s Office of Malaysia, available at: www.pmo.gov.my.
- [25] The Tenth Malaysia Plan (2011-2015). 2013, Official Website Prime Minister, s Office of Malaysia, available at: www.pmo.gov.my.
- [26] <http://www.kpwkm.gov.my/home>.
- [27] Malaysia's Gender Gap Index Report (2007). available at: http://www.undp.org.my/uploads/MGGI_report.pdf.
- [28] Malaysia, Permanent Mission to the United Nations, (2013) available at:

- <http://www.un.org/womenwatch/daw/documents/ga67/Malaysia.pdf>.
- [29] Human Development Index Report, (2013). available at:
<http://hdr.undp.org/en/statistics/hdi>.
- [30] Gender Inequality Index Report (2013). available at:
<http://hdr.undp.org/en/statistics/gii>.
- [31] The Human Development Report (2013). available at:
www.undp.org/content/dam/.../HDR2013%20Report%20English.pdf.
- [32] Global Gender Gap Report 2012 (2013). available at:
http://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2013.pdf.
- [33] Measuring & Monitoring Gender Equality, Malaysia's Gender Gap Index (2007). available at:
www.undp.org.my/uploads/MGGI_report.pdf.
- [34] Measuring and monitoring gender equality, 2007, available at
<http://www.kpwkm.gov.my>.
- [35] Summary Human Development Report (2013), The Rise of the South: Human Progress in a Diverse World (2013). available at:
<http://www.developmenteducation.ie/human-development-report-2013>.
- [36] The progress of Malaysian women since independence, 2003, available at:
<http://www.kpwkm.gov.my>.

